



A Conceptual Model of Training Peaceful Coexistence in the Point of View of the Holy Quran Through Al-Mizan Interpretation

Salman Rezvankhah *

Susan Keshavarz **

Akbar Salehi ***

Mohsen Farmahini Farahani ****

Abstract

These days, one of the most important challenges of human beings concern the provision of a proper condition for peaceful coexistence for people. Islam can provide a solution for this problem. For this reason, the Holy Qur'an, particularly the Al-Mizan interpretation of the Holy Qur'an, have been investigated in this research. Therefore, the aim of the present study is to enumerate the educational implications of peaceful coexistence in the interpretation of Al-Mizan, in order to provide a conceptual model for achieving peaceful coexistence. The research follows mixed approach using different methods to find answers for all of the main questions. Hence, conceptual analysis method has been employed to answer the first question of the research, and to answer the second and third questions, inferential method has been used. The research findings signified six anthropological bases and six value bases for peaceful coexistence in Al-Mizan interpretation. The research also resulted in the identification of the principles and methods of peaceful coexistence in the form of a conceptual model. It indicated that 12 bases, 7 principles and 19 educational methods of peaceful coexistence are related to one another in this model, and signified the path to achieve peaceful coexistence.

Keywords: *Peaceful coexistence, conceptual model, the Holy Qur'an, Al-Mizan interpretation, educational implications.*

* Corresponding author: PhD in the philosophy of education, Kharazmi University
s.kh.yass@gmail.com

** Assistant professor at the Department of Philosophy of Education, Kharazmi University
ss.keshavarz@yahoo.com

*** Associate professor at the Department of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran
salehihidji@khu.ac.ir

**** Associate professor at the Faculty of Educational Sciences, Shahed University
farmahinifar@yahoo.com

الگوی مفهومی آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز در آینه قرآن کریم با نظر به تفسیر المیزان

سوسن کشاورز **
محسن فرمهینی‌فراهانی ***
پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۴/۰۷

سلمان رضوان‌خواه *
اکبر صالحی ***
دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۱۹

چکیده

امروزه یکی از مهم‌ترین مسئله‌های بشر، ایجاد شرایط مناسب برای همزیستی مسالمت‌آمیز میان افراد است. اسلام می‌تواند یکی از منابع حل این مسئله باشد. بر همین اساس، قرآن کریم و به‌طور خاص تفسیر المیزان مورد توجه این پژوهش قرار گرفته است. از این رو، هدف پژوهش حاضر، احصای دلالت‌های تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز در تفسیر المیزان، به‌منظور ارائه یک الگوی مفهومی برای دستیابی به همزیستی مسالمت‌آمیز است. روش پژوهش به‌صورت ترکیبی بوده، به‌این‌ترتیب که برای دستیابی به پاسخ هرکدام از سؤالات اصلی از روش‌های متفاوتی استفاده شده است؛ لذا برای پاسخ به سؤال اول پژوهش از روش تحلیل مفهومی استفاده شده و برای پاسخ به سؤالات دوم و سوم از روش استنتاجی بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از ۶ مبنای انسان‌شناسی و ۶ مبنای ارزش‌شناسی برای همزیستی مسالمت‌آمیز در تفسیر المیزان هستند. یافته‌های پژوهش همچنین به معرفی اصول و روش‌های همزیستی مسالمت‌آمیز، در قالب یک الگوی مفهومی می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در این الگو، ۱۲ مبنای اصلی و ۱۹ روش تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر مرتبط بوده و مسیر دستیابی به همزیستی مسالمت‌آمیز را مشخص می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: همزیستی مسالمت‌آمیز؛ الگوی مفهومی؛ قرآن کریم؛ تفسیر المیزان؛ دلالت‌های تربیتی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است

s.kh.yass@gmail.com

* نویسنده مسئول: دانش‌آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی

ss.keshavarz@yahoo.com

** دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی

*** دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

salehahidji@khu.ac.ir

farmahinfar@yahoo.com

*** دانشیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شاهد

مقدمه و بیان مسئله

به علت وجود افراد مختلف از اقوام متفاوت در کشورهای چندفرهنگی و به تبع آن تفاوت در نوع دیدگاه‌ها و نحوه زندگی آنها، یکی از مسائل مهم در این گونه جوامع، ایجاد تعامل بین اقوام گوناگون است، به نحوی که بتوانند با صلح و آرامش و بدون اختلاف نظرهای مشکل ساز و دغدغه خاطر در کنار یکدیگر زندگی کنند. اهمیت موضوع آنچنان است که کارل یاسپرس هستی و وجود آدمی را در گرو «هستی در عالم» و «هستی با دیگران» می‌داند. از نظر وی، فرد، خویشتن خویش را به وسیله دیگری درک می‌کند و مضمون اساسی اندیشه‌های او هم پیوندی و مشارکت و ارتباط با دیگران است (یاسپرس، ۱۳۹۰: ۱۷۲ - ۱۷۴). توجه به ارتباط با دیگری را همچنین در اندیشه‌های گروه دیگری از فیلسوفان تعلیم و تربیت چون کی‌یر کگور^۱، هایدگر^۲، لویناس^۳، دریدا^۴ و دلوز^۵ نیز برجسته است (عسکری و عبدالعلی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۳۲).

در خصوص ضرورت انجام پژوهش همچنین می‌توان گفت، ایران به عنوان یکی از کشورهایی که مهد فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف است، از یک سو به گونه‌ای در معرض مشکلاتی است که عدم وجود همزیستی مسالمت آمیز می‌تواند موجب آن باشد و از سوی دیگر مطالعات انجام شده توسط پژوهشگران نشان از عدم وجود روش‌های مناسب جهت آموزش صلح و همزیستی مسالمت آمیز در ایران دارد (فتیحی و اجارگاه و همکاران، ۱۳۸۷)، (هاشمی، ۱۳۸۸)، (حاجی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳) و (فلاح نودهی، ۱۳۸۸). بنابراین، می‌توان انتظار داشت که استفاده از یافته‌های این پژوهش بتواند در حل مسائلی که در کشور ما ممکن است به علت وجود فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف و یا حتی به علت تفاوت سلیق به وجود بیاید، راهگشا باشد.

یکی از راه‌های بررسی همزیستی مسالمت آمیز، مراجعه به آموزه‌های اسلام است. دین اسلام دینی است جامع که هم برای زندگی فردی انسان‌ها برنامه دارد و هم برای اداره اجتماعات و جوامع انسانی و اگرچه این دین در شبه جزیره عربستان ظهور کرد، ولی بنا بر آیات قرآن منحصر به یک قوم و قبیله نیست، بلکه پیام و رسالتی جهانی دارد. اسلام، انسان را موجودی اجتماعی می‌داند

1. Kierkegaard
2. Heidegger
3. Levinas
4. Derrida
5. Deleuze

و به همراهی و همزیستی فرد با سایر اعضای جامعه تأکید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۲۶۵ و ۱۳۸۷: ۳۰۲). باتوجه به وجود منابع تفسیری متعدد در میان مفسران شیعه و سنی، در این پژوهش به تفسیر المیزان علامه طباطبایی تأکید شده و این تفسیر چراغ راه قرار داده شده است. یکی از دلایل انتخاب این تفسیر از یک سو نگاه عقلانی و استدلال - محوری است که علامه در تدوین این تفسیر داشته است، جامعیت در محتوا و منابع از سایر نقاط قوت این تفسیر است. از سوی دیگر، توجه ایشان به موضوع صلح و همزیستی در جای‌جای تفسیر المیزان دلیل مراجعه پژوهش حاضر به این تفسیر است.

همچنین لازم به توضیح است، به علت ارتباط مبانی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی با موضوع پژوهش حاضر که همانا بررسی ارزش‌های انسانی میان افراد و گروه‌هاست، به مطالعه این دو بخش از مبانی تربیت پرداخته می‌شود؛ چرا که مبانی انسان‌شناسی ما را با ویژگی‌های انسان به عنوان موضوع تربیت آشنا می‌کند و مبانی ارزش‌شناسی نیز درک درستی در مورد گزاره‌های ارزش‌شناسی به ما می‌دهد که این گزاره‌های ارزش‌شناسی می‌توانند در تحلیل ارزش‌ها که خود منشأ رفتارهای متنوع و گاهی متعارض افراد و گروه‌ها هستند، به ما کمک کنند. لذا با وجودی که سایر مبانی تربیتی نیز می‌توانند در استنتاج دلالت‌های تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز راهگشا باشند، اما به علت ارتباط بیشتر این دو بخش از مبانی تربیتی با موضوع پژوهش به بررسی و مطالعه این دو بخش بسنده می‌شود. باتوجه به اهمیت موضوع، پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج از کشور انجام شده است که در ادامه به برخی از آنها می‌پردازیم.

حق پناه (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «جنگ و صلح از منظر علامه طباطبایی» با مراجعه به تفسیر المیزان و سایر آثار علامه طباطبایی و بررسی این آثار به روش کیفی، به تبیین مفاهیم «جنگ»، «جهاد» و «دفاع» پرداخته و نهایتاً نتیجه می‌گیرد که هدف اسلام از جهاد، دستیابی به منافع مادی و دنیوی نیست، بلکه جنگ را یک اصل برای پیشبرد مقاصد خود قرار نمی‌دهد.

هاشمی (۱۳۸۸) در رساله دکتری خود با عنوان «بررسی همزیستی مسالمت‌آمیز به مثابه هدفی تربیتی و بازتاب آن در کتاب‌های درسی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران» تأکید دارد که در آموزش همزیستی، طراحان و مجریان برنامه‌ها باید فرایند درونی‌سازی ارزش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهای همزیستی مسالمت‌آمیز عادلانه را مدنظر داشته باشند.

زمیلاص (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «مدارا و همزیستی در جوامع ناسازگار؛ چالش‌ها و

دلالت‌های تربیتی آن برای تعلیم و تربیت» یک نگاه انتقادی به معنای رایج مدارا به‌عنوان شیوه‌ای برای آموزش همزیستی در تعلیم و تربیت دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تفسیر دیگری از مدارا وجود دارد که نشان می‌دهد مدارا باعث ناسازگاری بین جوامع و افراد می‌شود.

زمبلیاس و کندئو و میکالیدو (۲۰۱۱) مقاله‌ای با عنوان «آمادگی عاطفی معلمان قبرسی زبان یونانی برای همزیستی مسالمت‌آمیز» نوشته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان از وسواس و دوگانگی فکری معلمان دارد. هنوز آنها فضاها و فرصت‌های زیادی را برای ترویج صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در مدارس می‌بینند. دلالت‌ها را نیز ذیل اصطلاحات تربیتی سیاست‌گذاری، توسعه برنامه درسی و تربیت معلم توضیح داده است.

هررا تورس و براوو آنتونیو (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «ارزش پیش‌بینی‌کننده مهارت‌های اجتماعی در توانایی باهم‌زیستن در مدارس ابتدایی. مطالعه تحلیلی در زمینه تنوع فرهنگی»، عواملی چون تعادل شخصیتی^۱ و عزت‌نفس را باعث همزیستی مسالمت‌آمیز دانسته و از طرفی عواملی چون بی‌نظمی بالینی^۲ را مانع همزیستی میان دانش‌آموزان در مدرسه می‌دانند.

گراو و گارسیا راگا (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «یادگیری برای زندگی باهم: چالشی برای مدارس در معرض زمینه آسیب‌پذیری اجتماعی» به اجرای یک برنامه اجتماعی - فرهنگی در شهر والنسیای (اسپانیا) پرداخته‌اند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد معلمان و دانش‌آموزان تأکید می‌کنند که ادامه کار در این راستا برای سرمایه‌گذاری در ایجاد یک مدرسه دموکراتیک که بر پایه همزیستی و مشارکت استوار باشد، ضروری است.

با مطالعه پیشینه‌های داخلی و خارجی پژوهش، چند نکته لازم به توضیح است که نشان‌دهنده تمایز پژوهش پیش رو را نشان می‌دهد: اول اینکه اغلب پژوهش‌های انجام‌شده به بررسی همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملل مختلف و یا بعضاً فرهنگ‌های مختلف پرداخته‌اند. دوم اینکه به‌جز رساله دکتری هاشمی (۱۳۸۸) که به بررسی همزیستی مسالمت‌آمیز در برنامه درسی مدارس متوسطه پرداخته است، پژوهشی یافت نشد که نگاه تربیتی به موضوع همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشد. سوم اینکه در پیشینه پژوهش دیده نشد که پژوهشی به استخراج مبانی، اصول و روش‌های همزیستی مسالمت‌آمیز مبتنی بر آموزه‌های قرآن پرداخته باشد و متناظر با آن الگوی مفهومی در

1. Personal adjustment
2. Clinical maladjustment

عرصه تربیت برای همزیستی مسالمت‌آمیز تنظیم نماید. با توجه به آنچه گفته شد، برای نیل به الگوی مفهومی همزیستی مسالمت‌آمیز دنبال پاسخ پرسش‌های زیر هستیم.

۱. مبانی انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی همزیستی مسالمت‌آمیز از منظر قرآن کریم با تأکید بر

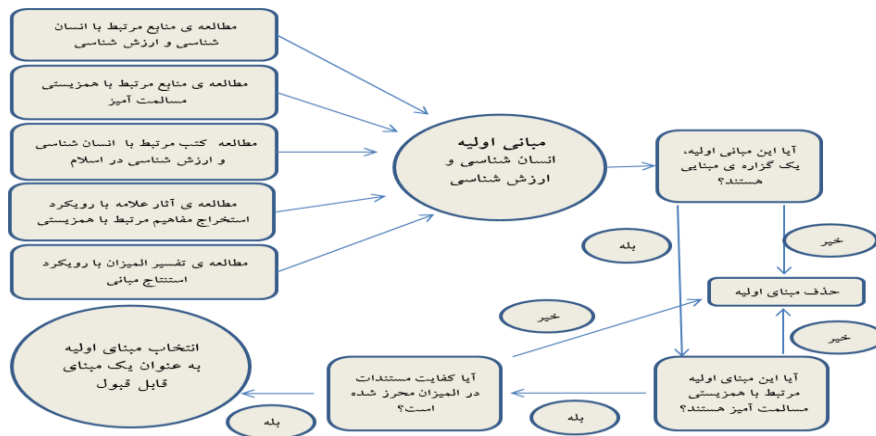
تفسیر المیزان کدامند؟

۲. اصول همزیستی مسالمت‌آمیز از منظر قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان کدامند؟

۳. روش‌های همزیستی مسالمت‌آمیز از منظر قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان کدامند؟

روش‌شناسی

در پژوهش حاضر تلاش می‌شود ابتدا مفاهیم اساسی مرتبط با موضوع همزیستی مسالمت‌آمیز مبتنی بر آموزه‌های قرآن شناسایی شود، سپس ارتباط میان آنها مورد بررسی قرار گیرد و با نظر به تحلیل صورت‌گرفته، مبانی اساسی شناسایی شود و متناظر با مبانی؛ مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی و تجویزی شامل اصول و روش‌های مرتبط با موضوع همزیستی استخراج شود. بنابر آنچه گفته شد برای پاسخ به سؤال اول پژوهش به روش تحلیل مفهومی، مطابق شکل ۱ برای پاسخ به سؤال، اقدام شد.



شکل ۱. الگوی مفهومی روش پاسخ به سؤال اول پژوهش

برای پاسخ به سؤالات دوم و سوم پژوهش، یعنی استنتاج و استخراج اصول و روش‌های تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز در آموزه‌های قرآن از روش استنتاجی استفاده شده است. باید توجه نمود که در رابطه اصول و روش‌ها، روش‌ها بر اصول مبتنی هستند. اصول و روش‌ها از یک جنس هستند، زیرا هر دو دستورالعمل هستند؛ اما تفاوت آنها در این است که اصول، دستورالعمل‌های کلی؛ ولی روش‌ها دستورالعمل‌های جزئی‌تر هستند (امیرسالاری، ۱۳۸۶)؛ با عطف به توضیحی که داده شد، در این پژوهش سعی شده است براساس یافته‌های جمع‌آوری‌شده سه بخش که یکی گزاره‌های توصیفی از نوع «هست»‌ها، به‌عنوان مبانی همزیستی مسالمت‌آمیز و دیگری گزاره‌های تجویزی از نوع «باید»‌های کلی به‌عنوان اصول و سرانجام گزاره‌های تجویزی از نوع «باید»‌های جزئی، به‌عنوان روش‌های همزیستی مسالمت‌آمیز، طبقه‌بندی می‌شوند. پس از آن روش‌های مرتبط در ذیل اصول و اصول مرتبط نیز در ذیل مبانی قرار می‌گیرند.

یافته‌ها

در این مبحث ابتدا مبانی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی همزیستی مسالمت‌آمیز از منظر قرآن کریم مشخص شده و توضیح داده می‌شوند، سپس اصول و روش‌های همزیستی مسالمت‌آمیز از این مبانی استنتاج شده و در پایان الگوی مفهومی همزیستی مسالمت‌آمیز با نظر به مبانی، اصول و روش‌ها تدوین می‌شود. این الگو که شکل بازسازی‌شده الگوی فرانکناست و از آن به‌عنوان «طرح‌واره پژوهش فلسفه تعلیم و تربیت» یاد شده، از مراحل تشکیل شده است. در گام نخست باتکیه بر مقدمات مربوط به باید‌های آغازین و گزاره‌های واقع‌نگر مربوط به انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی، زمینه استنتاج اصول همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم خواهد شد. سپس باتکیه بر اصول (گزاره‌های تجویزی) ازسویی و مبانی (گزاره‌های توصیفی) ازسوی دیگر، روش‌های تربیتی (توصیه‌های عملی) استنتاج شود (باقری، ۱۳۹۲: ۷۳-۷۵).

مبانی انسان‌شناسی

در این بخش، مبانی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی همزیستی مسالمت‌آمیز با نظر به تفسیر المیزان مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

مبنای اول: انسان، مدنی بالطبع است؛

علامه طباطبایی در این رابطه می‌نویسد: انسان در میان تمامی جانداران موجودی است که باید اجتماعی زندگی کند و این مطلب احتیاج به بحث زیاد ندارند؛ چراکه فطرت تمامی افراد انسان چنین است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۹۷) تا آنجا هم که تاریخ نشان داده است، هر جا بشر بوده است، اجتماعی زندگی می‌کرده و آثار باستانی هم این مطلب را ثابت می‌کند. قرآن کریم هم با بهترین بیان در آیاتی بسیار از این حقیقت خبر داده است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۴۴). ایشان همچنین در همین رابطه و در خصوص عبارت «مدنی بالطبع بودن انسان» معتقد است، حکم بشر به اجتماع مدنی و عدل اجتماعی حکمی است که اضطرار، بشر را مجبور کرد که آن را بپذیرد، چون اگر اضطرار نبود، هرگز هیچ انسانی حاضر نمی‌شد، دامنه اختیار و آزادی خود را محدود کند، این است معنای آن عبارت معروف که می‌گویند «الانسان مدنی بالطبع» است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۷۶).

مبنای دوم: انسان‌ها در خلقت با یکدیگر برابرند؛

در اسلام افراد اجتماع همه نظیر هم می‌باشند، چنین نیست که بعضی بر بعضی دیگر برتری داشته باشند و یا بخواهند برتری و تفاخر نمایند. تنها تفاوتی که بین مسلمین هست، همان تفاوتی است که قریحه و استعداد، اقتضای آن را دارد و از آن ساکت نیست و آن تنها و تنها تقواست که زمام آن به دست خدای تعالی است نه به دست مردم و این خدای تعالی است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۹۵).

مبنای سوم: انسان دارای کرامت ذاتی است؛

کرامت انسان در دو مرتبه متصور است. کرامت ذاتی انسان که نهفته در حیات شعوری و عقلانی اوست و امری ذاتی و فعلی بوده و اکتسابی نیست. چنین کرامتی نسبت به تمام ذات بشر فراگیر بوده و خود مبنای اثبات بسیاری از حقوق انسانی است. مرتبه دیگر، کرامت عارضی است که برای مؤمنین و نیکوکاران در اثر انتخاب شایسته و هدایت به دست انبیای الهی فراهم می‌گردد (حسینی، ۱۳۹۱: ۴۳). آنچه در این پژوهش مورد نظر است، همان مرتبه فراگیر از کرامت است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۳: ۱۵۶) که کرامت ذاتی انسان می‌باشد.

مبنای چهارم: انسان در پذیرفتن اندیشه‌ها و عقاید آزاد است؛

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های آزادی و اختیار انسان، آزادی در پذیرش عقیده و ایمان است. گرایش انسان به آزادی عقیده از امتیازات و برتری‌های انسان است که ریشه در فطرت حقیقت‌جویی وی دارد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۵۲۴). عقیده که عبارت است از درک تصدیقی، اگر در ذهن انسان پیدا شود، این حاصل‌شدنش عمل اختیاری انسان نیست تا بشود فلان شخص را از فلان عقیده منع و یا در آن عقیده دیگر آزاد گذاشت؛ بلکه آنچه در مورد عقاید می‌شود تحت تکلیف درآید، لوازم عملی آن است؛ پس آیه شریفه «لا اکراه فی الدین» تنها در این مقام است که بفهماند اعتقاد، اکراه‌بردار نیست، نه می‌تواند منظور این باشد که اسلام کسی را مجبور به اعتقاد به معارف خود نکرده و نه می‌تواند این باشد که «مردم در اعتقاد آزادند» (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۸۴ - ۱۸۵).

مبنای پنجم: انسان‌ها به‌لحاظ نژاد، قومیت و عقاید با هم متفاوتند؛

علامه معتقد است: در عالم انسانی نوعی تفاوت وجود دارد که از آن‌گیزی نیست و آن، تفاوت در طبیعت‌های افراد است که منشأ بنیه‌ها می‌شود. ترکیبات بدنی در افراد متفاوت است و تفاوت در ترکیبات بدنی موجب تفاوت در استعدادهای جسمی و روحی می‌شود و این نوع تفاوت‌ها به‌علاوه تفاوت‌های ناشی از عوامل محیطی، موجب ظهور اختلاف در سلیقه‌ها و آرزوها و اعمال انسان‌ها می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۱: ۸۱). این اختلاف‌ها تنها به این منظور بین آنان به‌وجود آمده که یکدیگر را بشناسند تا اجتماعی که در بینشان منعقد شده نظام‌پذیرد و ائتلاف در بینشان تمام گردد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۸: ۴۸۸ - ۴۸۹).

مبنای ششم: فطرت الهی انسان با صلح و همزیستی سازگار است؛

ازمنظر علامه، انسان‌ها فطرتاً گرایش به همزیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر دارند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۹۷). وی معتقد است: انسان طبعاً می‌خواهد دیگران را به نفع خود استخدام کند، لکن همین‌که تصمیم می‌گیرد آنها را استخدام کند، متوجه می‌شود که آنها هم عیناً مثل خود اویند و بلکه از او جری‌ترند، می‌خواهند خود او را زیر بار بکشند، خلاصه امیالی که او دارد، آنها نیز دارند، لذا ناگزیر می‌شود با آنها از در مسالمت درآید و حقوقی مساوی حق خود برای آنها قائل شود (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۶: ۲۸۶).

مبانی ارزش‌شناختی

مبنای اول: ارزش‌ها سرچشمه در فطرت انسان‌ها دارند، پس مطلقند؛

علامه معتقد است، همچنان که فرد از نقص به سوی کمال می‌رود، جامعه هم دچار تحول و تکامل می‌شود، اما این به معنای آن نیست که هیچ اصل ثابتی وجود نداشته باشد. بلکه ارزش‌های اخلاقی همچون عفت، شجاعت، حکمت و عدالت و فروعات این ارزش‌های اخلاقی، همواره در همه اجتماعات انسانی دارای حسن بوده و هیچ‌وقت قبح نخواهند داشت (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۷۱). با این وجود، اگرچه نسبی‌گرایان معتقدند که همه ارزش‌ها نسبی‌اند و هیچ حکم ارزشی مطلق نداریم؛ اما مطلق‌گرایان معتقدند دست کم برخی احکام ارزشی بدون هیچ قید و شرطی اعتبار دارند (مصباح، ۱۳۸۳: ۳۶ و ۴۰)؛ علامه ضمن اعتقاد به مطلق بودن ارزش‌های اخلاقی، نسبت را به معنای نسبت مصداقی می‌پذیرد. بر این اساس، آنچه دچار تحول و تغییر می‌شود و امری نسبی است، مصادیق ارزش‌های اخلاقی است، نه خود ارزش‌های اخلاقی (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۷۲).

مبنای دوم: ملاک اعتبار ارزش‌ها، عقل مبتنی بر شرع است؛

علامه عقل واقعی را نیرویی می‌داند که انسان در دین از آن بهره‌مند می‌شود تا مسیر خود را به سوی حقایق معارف و اعمال صالح پیدا کند. اگر عقل در چنین مجرای قرار نگیرد و تنها در حیطه تشخیص خیر و شرهای دنیوی محدود گردد، دیگر عقل نامیده نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۷۵)؛ بنابراین، با توجه به اینکه یکی از دلایل ایجاد تعارض در رفتارها این است که افراد دارای ارزش‌های متعارض هستند و یکی از خاستگاه‌های این تعارض در ارزش‌ها، همانا تفاوت در ملاک اعتبار این ارزش‌هاست، قرآن کریم برای اعتبار ارزش‌ها ملاک و معیار خاص خود «عقل مبتنی بر شرع» را معرفی می‌کند.

مبنای سوم: در اسلام اصالت با صلح و همزیستی است نه جنگ و تعارض؛

علامه در تفسیر آیه ۱۰ سوره حجرات می‌نویسد: اگر این آیه، ارتباط بین مؤمنین را منحصر کرد در ارتباط اخوت، برای این بود که مقدمه و زمینه‌چینی باشد برای تعلیلی که برای حکم صلح می‌آورد و می‌فرماید «پس بین دو برادر خود اصلاح کنید» و در نتیجه بفهماند این دو طایفه‌ای که شمشیر به روی یکدیگر کشیدند، به خاطر وجود اخوت در بین آن دو، واجب است که صلح بینشان برقرار گردد و اصلاح‌گران هم به خاطر اینکه برادران آن دو طایفه هستند، واجب است صلح را در هر دو طایفه برقرار نمایند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۸: ۴۷۰)؛ بنابراین، اسلام در طبیعت خود، سلم‌جو

و صلح طلب است، اما با این وجود، هیچ‌گاه نمی‌کوشد تا نظر خویش را درباره جهاد و دفاع پنهان کند و نوعی همزیستی غیرواقعی و «به‌ظاهر مسالمت‌آمیز» را پیشنهاد کند.

مبنای چهارم: با صلح و همزیستی گرایش به سوی حق و دستیابی به تعالی امکان‌پذیرتر است؛

فضای توأم با آرامش و همزیستی و نیز اخلاق نرم و لطیف پیامبر بود که توانست شرایط را برای گرایش مردم به دین اسلام و پذیرش حق و حقیقت فراهم نماید. لذا می‌بینیم خداوند در آیه شریفه ۱۲۵ سوره نحل به پیامبر(ص) می‌فرماید: «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای. درحقیقت پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] داناتر است». علامه طباطبایی در رابطه با این آیه شریفه که همانا معرفی سه روش مسالمت‌آمیز برای گرایش به حق و حقیقت است، می‌نویسد: رسول گرامی مأمور شده که به یکی از این سه طریق دعوت کند که هر یک برای دعوت، طریقی مخصوص است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۲: ۵۳۳-۵۳۵).

مبنای پنجم: میان افراد با اقلیت‌ها و گروه‌های مختلف در جامعه عدم همزیستی وجود دارد؛

آنچه انسان را به سوی جنگ و منازعه پیش می‌برد، تفوق غرایز حیوانی او همچون قوه غضبیه و شهویه است که موجب تلاش وی برای تفوق بر دیگران و استخدام و غلبه بر هم‌نوعان می‌شود و این منافع متضاد در انسان‌ها موجب ایجاد اختلاف بین آنها و جنگ و منازعه و هرج و مرج می‌شود (فوزی، ۱۳۹۶: ۱۶). علامه در این رابطه معتقد است: اهل یک وطن هر قدر متحدتر و در هم فشرده تر شوند از سایر مجتمعات بشری بیشتر جدا می‌گردند. اگر متحد می‌شوند واحدی می‌گردند که روح و جسم آن واحد از واحدهای وطنی دیگر جداست و در نتیجه انسانیت وحدت خود را از دست می‌دهد و تجمع جای خود را به تفرقه می‌دهد و بشر به تفرق و تشتت گرفتار می‌شود که از آن فرار می‌کرد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۹۷).

مبنای ششم: گروه‌ها و اقوام قابل احترام هستند تا جایی که به ارزش‌های جامعه اسلامی لطمه نزنند؛

اگرچه اسلام برای هدایت گروه‌های مختلف به راه صحیحی که خود را پیشرو آن می‌داند، تلاش می‌کند، اما همه گروه‌ها را تازمانی که برای ارزش‌های اسلام خطری ایجاد نکنند، به دیده احترام می‌نگرد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۹: ۳۹۹). علامه در ذیل آیه ۹ سوره قلم می‌نویسد: این تکذیب‌گران دوست می‌دارند تو با نزدیک شدن به دین آنان روی خوش به آنها نشان دهی و ایشان هم با نزدیک شدن به تو روی خوش به تو نشان دهند و خلاصه اینکه دوست دارند که تو کمی از

دینت مایه بگذاری و آنها هم از دین خودشان مایه بگذارند و هریک درباره دین دیگری، نه روش دین و شنیدن سخنان یکدیگر، مسامحه روا دارند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۹: ۶۲۰)؛ سپس به‌طور مستقیم می‌فرمایند: ای پیامبر از خدا بترس و اطاعت کافرین و منافقین مکن که خدا دانا و فرزانه است (احزاب/۱)؛ که فراز اول این آیه نشان می‌دهد کوتاه‌آمدن در هدف و موافقت با عقاید دیگران از دیدگاه قرآن کریم مردود است (جدول ۱).

جدول ۱. مبانی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی همزیستی مسالمت‌آمیز براساس تفسیر المیزان

مبانی انسان‌شناسی	مبانی ارزش‌شناسی
انسان، مدنی بالطبع است.	ارزش‌ها سرچشمه در فطرت انسان‌ها دارند پس حداقل برخی از آنها مطلقند.
انسان‌ها در خلقت با یکدیگر برابرند.	ملاک اعتبار ارزش‌ها، عقل مبتنی بر شرع است.
انسان دارای کرامت ذاتی است	در اسلام اصالت با صلح و همزیستی است نه جنگ و تعارض.
انسان در پذیرفتن اندیشه‌ها و عقاید آزاد است.	با صلح و همزیستی گرایش به سوی حق و دستیابی به رشد و تعالی امکان‌پذیرتر است.
انسان‌ها به‌لحاظ نژاد، قومیت و عقاید باهم متفاوتند.	میان افراد با اقلیت‌ها و گروه‌های مختلف در جامعه عدم همزیستی وجود دارد.
فطرت الهی انسان با صلح و همزیستی سازگار است.	گروه‌ها و اقوام مختلف قابل‌احترام هستند تاجایی‌که به ارزش‌های جامعه اسلامی لطمه نزنند.

اصول و روش‌های همزیستی مسالمت‌آمیز

اصول همزیستی مسالمت‌آمیز همانا الزاماتی هستند که در فرایند همزیستی مسالمت‌آمیز باید بدان‌ها توجه داشت و از مبانی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی برگرفته از تفسیر المیزان استنتاج شده‌اند. در این میان، ممکن است یک اصل برگرفته از یک یا چند مبنا باشد؛ مهم این است که این اصول ضرورتاً دارای پشتوانه‌ای از گزاره‌های توصیفی (مبانی) هستند. همچنین برای دستیابی به اصول نیاز به دستورالعمل‌هایی جزئی‌تر است که روش نامیده می‌شوند (باقری، ۱۳۷۴: ۷۳) که در امر آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز، موردنظر مریبان و متریان قرار می‌گیرد. این روش‌ها نیز از مبانی (گزاره‌های واقع‌نگر) و اصول (گزاره‌های تجویزی) مبتنی بر آنها استنتاج شده است که به‌جهت رعایت اختصار، این استنتاج‌ها در توضیحات مربوط به روش‌ها نیامده و تنها در الگوی مفهومی پایان مقاله به آنها اشاره شده است.

اصل اول: برقراری ارتباط مؤثر با دیگران؛

این اصل از مبنای انسان‌شناسی «انسان مدنی بالطبع است»، استنتاج شده است. مطابق این اصل تربیتی، افراد باید در زندگی اجتماعی خود با دیگران و همزیستی با آنها، ارتباط فعال و مؤثر داشته باشند. به اعتقاد علامه، تماس و ارتباط افراد با هم باعث می‌شود باور آنها از طریق تأثیر متقابل به یکدیگر متصل شود و آنها را به وحدت برساند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۵۷۹). در این رابطه، خداوند در آیه ۲ سوره مائده، ضمن توجه به نیاز انسان‌ها به تعامل فعال با دیگران، به این تعامل و همکاری جهت داده و می‌فرماید این همکاری باید در جهت نیکی و تقویت تلاش‌های یکدیگر باشد، نه در جهت دشمنی با دیگران و خنثی نمودن رفتارهای نیک یکدیگر. علامه طباطبایی ذیل تفسیر این آیه شریفه، ضمن تأکید بر این ارتباط فعال، جهت این ارتباط را همانا تقوا و نیکوکاری است می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۲۶۶)؛ این اصل شامل چهار روش می‌باشد که در ادامه به مطالعه و بررسی هر کدام می‌پردازیم.

الف. روش پرهیز از طرد اجتماعی دیگران؛

خداوند رسول مکرم اسلام را در آیه ۵۲ سوره انعام، به پرهیز از طرد مؤمنین توصیه نموده و به تأثیر این روش در تأثیرگذاری جامعه و دستیابی افراد به آرامش اشاره کرده است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۱۴۸). با این وجود، لازم به ذکر است که این پرهیز از طرد کردن، برای مؤمنین و کسانی که قصد همزیستی دارند تجویز می‌شود، نه کسانی مانند منافقین (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۹: ۴۷۳) و مجرمین (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۵۳۴) که به دنبال ضربه زدن و آسیب‌رساندن به جامعه مسلمین هستند.

ب. روش توصیه به خوش‌اخلاقی با دیگران؛

خوش‌اخلاقی در قالب رفتارهایی مانند گشاده‌رویی، نرم‌خویی و هم‌نشینی زیبا می‌تواند نمود پیدا می‌کند. حسن خلق به معنای عام عبارت است از عموم خصلت‌های پسندیده‌ای که لازم است انسان روح خود را به آنها بیاراید (مقدس‌نیا و محمدی، ۱۳۸۷: ۲۱). علامه در خصوص تأثیر خوش‌اخلاقی در بهبود مراودات اجتماعی به توصیه‌های لقمان حکیم به پسرش اشاره می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۶: ۳۳۷). لذا می‌توان دریافت که با خوش‌اخلاقی، توفیق انسان در زندگی توأم با صلح و آرامش بیشتر می‌شود؛ زیرا بازتاب منفی نداشته و موجب همکاری و ارتباط مؤثر افراد با یکدیگر می‌شود؛ آنچنان که خوش‌اخلاقی با افراد خشمناک و درشت‌خو (به‌غیر از ظالمان و

متکبرین) مایه تحول و در نتیجه خوش رفتاری آنها می‌شود و این خود یکی از بهترین روش‌ها برای پرهیز از اختلاف و درگیری است.

ج. روش تأکید بر مشترکات و پرهیز از دامن زدن به تفاوت‌ها؛

یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که در قرآن کریم آمده و پیامبر اسلام نیز در نامه‌هایی که برای پادشاهان کشورهای مختلف می‌نوشتند از آن استفاده می‌کردند، تأکید بر اشتراکات بوده است، آنچنان‌که در نامه‌های ایشان همواره از آیه ۶۴ سوره آل‌عمران استفاده شده است: بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد. از جمله این نامه‌ها به هرقل امپراتور روم (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۴۲۱)، مقوقس عظیم قبطیان، یزدگرد کسرای ایران و اصحمة نجاشی حبشه و اسقف نجران (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۴۲۲) نوشته شده و بر این اشتراکات تأکید شده است. به نظر علامه خطاب در آیه ۶۴ سوره آل‌عمران، به عموم اهل کتاب است و در حقیقت دعوت به این است که همه بر معنای یک کلمه متفق و مجتمع شویم، به این معنا که بر مبنای آن کلمه واحده عمل کنیم (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۳۸۹).

د. روش توصیه به همدلی و همدردی با دیگران؛

همدلی و همدردی اعضای جامعه با یکدیگر قطعاً می‌تواند به عنوان یک نیروی محرک برای برقراری روابط تأثیرگذار میان افراد مورد استفاده قرار گیرد. نمونه بارز آن همدردی خداوند تجبرُالکسیر^۱ و فرشتگان او با پیامبر اکرم (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۲: ۵۳۸ و ج ۱۳: ۲۰۴) و یا سایر انبیا (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۰: ۳۶۳ و ۵۰۳) در مواردی است که ایشان با مشکلات و گرفتاری‌ها یا بن‌بست‌هایی مواجه می‌شدند. نمونه دیگر این همدلی و همراهی و همدردی را در توصیه خداوند به رسول اکرم برای مواجهه با مؤمنین می‌بینیم که خداوند از پیامبر رحمت می‌خواهد که غمخوار مؤمنین باشد و در مشکلات و گرفتاری‌ها کنار آنها باشد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۲: ۲۸۴).

اصل دوم: ارزشمند شمردن حرمت انسانی؛

این اصل از دو مبنای انسان‌شناسی «انسان‌ها در خلقت با یکدیگر برابرند» و «انسان‌ها دارای کرامت ذاتی‌اند» مبتنی است. حفظ حرمت و شخصیت افراد، به‌ویژه از سوی کسانی که با هم انس و

۱. جبران‌کننده حال دل‌شکستگان (دعای عرفه)

الفتی دارند، موجب استحکام روابط آنان خواهد شد و هرگز نباید به دلیل ارتباط صمیمانه، از این مهم غفلت ورزید. به عنوان نمونه‌ای از تکریم پیامبران توسط خداوند (که خود بزرگ‌ترین مربی است)، می‌توان به مأمور شدن ملائکه به تعظیم بر حضرت آدم (ع) (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۹۱ و ۱۸۸) و نیز تکریم پیامبر اکرم (ص) در آیات ۸ تا ۱۰ سوره فتح اشاره کرد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۸: ۴۰۷). براساس آنچه گفته شد، مربیان باید هنگام آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز اولاً خود مواظب باشند که هنگام انجام روش‌های تربیتی، با متربیان به گونه‌ای برخورد کنند که شخصیت تربی حفظ شود، ثانیاً در رفتارهایشان مواظب باشند شأن و حرمت انسانی خودشان به عنوان مربی نیز حفظ شود و ثالثاً به متربیان نیز بیاموزند که ارزشمندی حرمت انسانی دیگران را مورد توجه قرار دهند. این اصل شامل چهار روش می‌باشد که در ادامه به مطالعه و بررسی هر کدام می‌پردازیم.

الف. روش پرهیز از غرور و تکبر

تکبر، ممکن است به صورت خودستایی، عیب‌جویی یا غیبت دیگران نمود پیدا کند که در هر صورت مستلزم بی‌توجهی به ارزش انسان‌هاست. این در حالی است که غرور همچنین می‌تواند منشأ اختلاف و کشمکش نیز باشد، کما اینکه همین عامل، باعث اختلاف میان یهود و نصاری شده است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۸۹). یکی دیگر از نمونه‌های قرآنی پرهیز از تکبر را می‌توان در سوره لقمان و پنجاهای تربیتی لقمان حکیم به فرزندش دید که به فرزند خود نصیحت می‌کند که روی خود را از در تکبر از مردم برمگردان... که خدا دوست نمی‌دارد کسانی را که دستخوش خیلاء و کبرند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۶: ۳۲۶).

ب. روش پرهیز از تمسخر دیگران؛

تمسخر دیگران از یک سو می‌تواند وحدت و همدلی را در جامعه از بین برده و از سوی دیگر، ریشه نزاع و کشمکش باشد؛ از نظر علامه، استهزاء عبارت است از اینکه چیزی بگویی که با آن، کسی را حقیر و خوار بشماری، حال چه اینکه چنین چیزی را به زبان بگویی و یا به این منظور اشاره‌ای کنی و یا عملاً تقلید طرف را در آوری، به طوری که بینندگان و شنوندگان بالطبع از آن سخن و یا اشاره و یا تقلید بختند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۸: ۴۸۱). یکی از انگیزه‌های مسخره‌کنندگان برای به مسخره گرفتن دیگران این است که می‌خواهند خود را در نظر مردم بزرگ و محترم و دیگران را بی‌ارزش و مقدار جلوه دهند، در حالی که چه بسا ممکن است انسان‌هایی که مسخره می‌شوند، از نظر روح و روان پاک‌تر از مسخره‌کنندگان بوده و ارزش و حرمت انسانی

ایشان بر اثر داشتن ملکات عالی انسانی و سجایای اخلاقی در پیشگاه خداوند به مراتب برتر از آنها باشد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۸: ۴۸۱).

ج. روش تغافل؛

تغافل، در لغت به معنای خود را به غفلت نمایاندن، بی خبر نشان دادن خود و در اصطلاح، معادل چشم پوشی آگاهانه از رفتارهای نامطلوبی است که اطرافیان در خفا دارند (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۴۲۰). غرض اصلی در چنین رویکردی به اعمال سایرین، اصلاح کردارها و ثمرات نیکوی تربیتی از جمله حفظ کرامت و حرمت انسانهاست که از این طریق حاصل می شود. راغب معتقد است، از جمله مفاهیم معادل تغافل، عفو و صفح هستند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۴۴۶). صاحب المیزان در تفسیر آیه ۱۴ سوره تغابن می نویسد: سه جمله «تغفوا» و «تصفحوا» و «تغفروا» می خواهند مؤمنین را تشویق کنند به اینکه اگر زن و فرزندانشان آثار دشمنی را از خود بروز دادند، صرف نظر کنند و در عین حال بر حذر باشند که فریب آنان را نخورند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۹: ۵۱۶). البته حد و مرز این عفو و بخشش نیز جایی است که حق دیگران با اسائه به ایشان ضایع می شود. عقل در آنجا عفو و اغماض را تجویز نمی کند، برای اینکه عفو در این گونه موارد وادار کردن مردم به گناه است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۸: ۴۹۶).

د. روش پرهیز از تجسس در عقاید و زندگی دیگران؛

کلمه تجسس به معنای پیگیری و تفحص از امور مردم است؛ اموری که مردم عنایت دارند پنهان بماند و تو آنها را پیگیری کنی تا خبردار شوی ... و در شر استعمال می شود. بنابراین، معنای آیه «وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا»؛ این است که: دنبال عیوب مسلمانان را نگیرید و در این مقام بر نیایید که اموری را که صاحبانش می خواهند پوشیده بماند تو آنها را فاش سازی (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۸: ۴۸۴). لذا پیامبر اکرم می فرمایند: من هیچ پست و مأموریتی ندارم مگر انذار و دعوت؛ در نتیجه کسی را که رو به من بیاورد و دعوت را بپذیرد هرگز طردش نمی کنم و نیز از اعمال گذشته اش تجسس نمی نمایم (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۵: ۴۱۶).

اصل سوم: توجه به شئون فردی و اجتماعی؛

این اصل از سه مبنای انسان شناسی «انسانها در خلقت با یکدیگر برابرند»، «انسانها به لحاظ نژاد، قومیت و عقاید باهم متفاوتند» و «انسانها دارای کرامت ذاتی اند» مبتنی است. در اندیشه قرآنی، انسانها از یک مرد و زن آفریده شده اند، تنوع و تکثر آنها عارضی است و

نزد خداوند تنها تقواست که ارزش راستین قلمداد می‌شود. بر پایه این اصل باید با افراد و گروه‌هایی که به واسطه عواملی چون نژاد، قوم، مذهب، زبان، فرهنگ، رنگ، جنس، توانایی‌ها و ویژگی‌های جسمی و روحی متمایز از دیگران هستند، متناسب با شرایطشان رفتار کرد. این تفاوت‌ها نباید دستاویزی برای اتخاذ رویکردهای تبعیض‌آمیز در برابر آنها قرار گیرد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۹۵). این اصل شامل سه روش است که عبارتند از: کسب شناخت نسبت به دیگران، رعایت حقوق اقلیت‌ها و مواجهه متناسب با استعدادهای متفاوت.

الف. روش کسب شناخت نسبت به دیگران؛

این روش باعث می‌شود که افراد بتوانند ضمن توجه به شئون فردی و اجتماعی دیگران، شرایط زندگی توأم با همزیستی مسالمت‌آمیز را فراهم کنند. براساس این روش است که خداوند مرتباً داستان زندگی گروه‌ها و اقوام مختلف را در قرآن کریم بیان می‌کند و مردم را به مطالعه زندگی دیگران توصیه می‌کند که از جمله آنها می‌توان به اقوام عاد، ثمود، سبأ و لوط اشاره کرد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۰: ۵۱۷ و ج ۱۲: ۳۱). این روش تربیتی امکان کسب تجربه با افراد در گروه‌های دیگر را به متریان می‌دهد. از طریق شناخت دیگران و تماس میان‌گروهی، افرادی که متعلق به گروه‌های نژادی، مذهبی یا قومی متفاوت هستند، می‌توانند بر کلیشه‌سازی غلبه کنند و تجارب مثبت همکارانه و روابط برابر و پذیرش متقابل مطلوبی داشته باشند (مینو، ۲۰۰۲: ۱۰).

ب. روش رعایت حقوق اقلیت‌ها؛

علامه از قول نبی مکرم اسلام می‌نویسد: من مأمور شده‌ام بین شما عدالت برقرار کنم؛ یعنی همه را به یک چشم ببینم، قوی را بر ضعیف و غنی را بر فقیر و کبیر را بر صغیر مقدم ندارم و سفید را بر سیاه و عرب را بر غیر عرب و هاشمی را و یا قرشی را بر غیر آنان برتری ندهم. پس درحقیقت دعوت متوجه به عموم مردم است و مردم همگی در برابر آن مساوی‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۸: ۴۴). اسلام عدالت اجتماعی کامل را در کشور اسلامی نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای تمام ساکنان سرزمین خود، باوجود اختلاف مذهب، نژاد، زبان و رنگ، تأمین می‌کند (کریمی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۷). اقلیت‌های مذهبی با انعقاد «پیمان ذمه» و اکتساب تابعیت می‌توانند در جامعه اسلامی آزادانه زندگی کنند و از حقوق اجتماعی، امنیت داخلی و خارجی مانند افراد مسلمان بهره‌مند شوند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۹: ۳۲۲).

ج. روش مواجهه متناسب با استعدادهای متفاوت؛

واضح است که تفاوت‌های جنسیتی، نژادی و قومیتی و امثال آن، منشأ شایستگی نبوده و لذا این تفاوت‌ها نمی‌توانند خاستگاه برخورد‌های متفاوت باشند. این شایستگی‌ها سرچشمه در تقوا و ایمان و دنباله‌روی فرد یا جامعه از عقل و شرع دارد. هرچه این ملاک‌ها در فرد یا جامعه بیشتر باشد، شایسته برخورد محترمانه‌تری هستند. به نظر می‌رسد دلیل قرآن کریم برای این مواجهه متفاوت نیز کمتر کردن فاصله میان افراد یا گروه‌ها باشد؛ به‌عنوان مثال، با توجه بیشتر به فقرا می‌توان فاصله آنها را با اغنیا کمتر نمود و یا اینکه با توجه بیشتر به افراد اهل علم و تقوا، می‌توان دیگران را به برخورداری از این فضایل توجه داده و ترغیب نمود (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۳۰).

اصل چهارم: توجه به تفکر آزادانه؛

این اصل تربیتی بر مبنای انسان‌شناسی «انسان در پذیرفتن اندیشه‌ها و عقاید آزاد است» استوار است. علامه در خصوص رفع موانع تفکر آزاد می‌نویسد: حتی خداوند متعال ایمان را هم بر انسان‌ها تحمیل نمی‌فرماید تا انسان به واسطه تشخیص عقل خود و از روی اختیار خود آن را برگزیند، چون اصولاً هیچ اکراه در دین نیست (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۵۲۳). لذا ایشان در داستان برخورد حضرت شعیب (ع)، سلب اختیار و اراده دیگران را عملی نامشروع دانسته و آن را مخالف با صلح و همزیستی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۰: ۵۴۹). البته روشن است که این اراده و اختیار، مشروط و محدود بوده و تا جایی مجاز است که قوانین جامعه را با مشکل مواجه نکند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۸۳ و ج ۶: ۵۰۶، ۵۱۱ و ۵۱۲ و ج ۱۳: ۱۱۸ و ج ۴: ۱۷۰) و در جهت انجام اعمال خیر باشد نه افعال شر (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۳، صص ۷۱ و ۷۲). این اصل شامل دو روش است که در ادامه به مطالعه و بررسی آنها می‌پردازیم.

الف. روش ارتقای توانایی انتخاب‌گری؛

انسان بدان جهت که انسان است دارای فکر، اراده و اختیار است، می‌تواند آنچه برایش سودمند است از آنچه مضر است انتخاب کند و همین انسان وقتی وارد اجتماع می‌شود، در آن حال نیز اختیار دارد، ولیکن در حدودی که مزاحم با سعادت مجتمع انسانی نباشد، در این چهاردیواری استقلال در انتخاب را دارد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۴۰۶). بر همین اساس، خداوند به‌طور مکرر به انبیای خود این مهم را گوشزد کرده است و بشارت را از آن کسانی می‌داند که سخنان را می‌شنوند و نیکوترین‌ها را انتخاب می‌کنند (زمر/۱۷ و ۱۸) و همچنین به پیامبر و کسانی که دعوت پیامبر را

پیروی می‌کنند، مأموریت داده که به پسندیده‌ترین گونه دیگران را دعوت کنند، به نحوی که اعتقاد خلل‌ناپذیر، حاصل آن باشد (نحل، ۱۲۵). این توانایی باعث می‌شود افراد پس از انتخاب آگاهانه امور، خود مسئولیت آنها را برعهده بگیرند و این مسئولیت‌پذیری از خیلی از کشمکش‌ها و ناسازگاری‌ها پیشگیری کرده و جای خود را به همزیستی مسالمت‌آمیز خواهد داد.

ب. روش گفتگوی مسالمت‌آمیز؛

قرآن کریم یکی از خاستگاه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز میان گروه‌های مختلف را گشودن دریچه گفتگو و مذاکره منطقی دانسته و از پیامبر(ص) می‌خواهد که بنیان معرفی و تبلیغ دین خود را چه در رویارویی با مخالفان و چه مسلمانان، بر اصل گفتگو و منطق و جدال احسن قرار دهد که از جمله آنها اشاره به گفتگوی حضرت ابراهیم(ع) با بت‌پرستان برای اثبات عقیده باطل آنهاست (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۳۰۰ و ۳۰۱). یکی از مواردی که در گفتگوی مسالمت‌آمیز باید مورد توجه قرار گیرد، استفاده از مجادله نیکوست. مجادله وقتی نیکو به‌شمار می‌رود که با درشت‌خویی و طعنه و اهانت همراه نباشد و هر دو طرف، علاقه‌مند به روشن شدن حق باشند و لجاجت و عناد به خرج ندهند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۶: ۲۰۵).

اصل پنجم: توجه به نظام معیار اسلامی؛

این اصل تربیتی از مبانی ارزش‌شناسی «ارزش‌ها سرچشمه در فطرت انسان‌ها دارند پس برخی از آنها مطلقند» و «ملاک اعتبار ارزش‌ها، عقل مبتنی بر شرع است» استنتاج شده است. این اصل را می‌توان ذیل آیاتی که درخصوص «مداهنه»^۱ است مورد بررسی قرار داد که نشان می‌دهند خداوند به پیامبر اکرم(ص) امر می‌کند که کفار و مشرکین دوست دارند تو در ابلاغ دین و پیاده کردن احکام الهی با آنان کوتاه بیایی، اما هیچ‌گاه کوتاه نیا (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۹: ۶۲۰). بدیهی است در برقراری همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران باید توجه داشته باشیم که ارزش‌ها و رفتارهایی از دیگران مورد تأیید است که منطبق با عقل مبتنی بر شرع باشد، در غیر این صورت، نه تنها نمی‌توان ارزش‌ها و رفتارهای طرف مقابل را پذیرفت، بلکه باید آنها را رد کرده و در تبیین اشکالات آن به‌طرف مقابل کمک کرد. این اصل شامل روش استکبارستیزی است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. «وَدُّوا لَوْ تَلَّهِنُ فَيُدْهِنُونَ» (قلم/۹)

الف. روش استکبارستیزی؛

ازین‌بردن تعصب‌های نادرست، برتری‌جویی و نژادپرستی، زمینه‌ساز همزیستی مسالمت‌آمیز گروه‌ها و اقوام گوناگون است. بنابراین، مطابق این روش، مسلمانان باید از یک سو آماده دفاع در مقابل دشمنان باشند و از سوی دیگر به‌طور فعالانه به مبارزه و جهاد با دشمنان خود پردازند. بدیهی است مرحله اول دفاع (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۴: ۵۴۵) است و چنانچه دفاع چاره‌ساز نباشد، جهاد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۴: ۵۴۵) در مقابل دشمنان تجویز می‌شود؛ بنابراین، همزیستی مسالمت‌آمیز همیشه مستلزم کوتاه‌آمدن در مقابل دیگران نیست؛ گاهی برای برخورداری از آرامش و امنیت لازم است در مقابل دشمنان ایستاد و با راندن آنها دفع شر نمود.

اصل ششم: احترام به عقاید و اندیشه‌های دیگران؛

این اصل تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز از مبنای انسان‌شناسی «انسان در پذیرفتن اندیشه‌ها و عقاید آزاد است» و مبانی ارزش‌شناسی «در اسلام اصالت با صلح و همزیستی است نه جنگ و تعارض»، «با صلح و همزیستی گرایش به سوی حق و دستیابی به تعالی امکان‌پذیرتر است» و «میان افراد با اقلیت‌ها و گروه‌های مختلف در جامعه عدم همزیستی وجود دارد» استنتاج شده است. در این رابطه قرآن کریم، آنجا که بحث و گفتگو دیگر نتیجه‌بخش نیست به زیبایی هرچه‌تمام‌تر، راهکار عمل به معتقدات خویشان به‌شرط عدم تعدی به حریم دیگران را ارائه داده است (کافرون/ ۱ - ۶). لذا علامه در این خصوص تأکید می‌کند که هر فرد با هر اندیشه و عقیده و نژادی قابل احترام بوده و این تفاوت‌ها دلیلی بر برتری یکی بر دیگری نیست که براساس آن یک فرد یا گروه مجوز بی‌احترامی به عقاید و اندیشه‌های دیگران داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۳: ۲۱۷). این اصل از طریق دو روش «احترام به مقدسات دیگران» و «پرهیز از تعصب و افراطی‌گری» قابل تحقق است.

الف. روش احترام به مقدسات دیگران؛

احترام به مقدسات ممکن است به دو صورت رفتارهای سلبی و ایجابی مورد نظر باشد. رفتارهای سلبی شامل رفتارهایی می‌شود که نباید انجام شود مانند ناسزاگفتن و توهین به مقدسات دیگران (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۴۳۴) و رفتارهای ایجابی رفتارهایی هستند که باید انجام شوند؛ مانند احترام به عبادتگاه‌ها و کتب آسمانی ادیان دیگر (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۸: ۴۴). بر همین پایه است که دشمنان اسلام و مسلمانان، یکی از راهبردهای ایجاد تفرقه در میان مسلمانان را بر این

روش استوار نموده و شرایطی فراهم می‌کنند که مذاهب مختلف اسلامی با توهین به مقدسات یکدیگر خود عامل ایجاد تفرقه و ناهمزیستی باشند.

ب. روش پرهیز از تعصب و افراطی‌گری؛

افراطی‌گری می‌تواند معطوف به نژاد، قوم و قبیله، دین، رنگ، جنس و امثال آن باشد. افراطی‌گری را می‌توان در کنار واژه‌هایی مثل نژادپرستی، تعصب و تکفیر قرار داده و مفهوم مقابل آن را نیز می‌توان اعتدال دانست (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۴۷۴). از جمله این تعصب‌ها را میان مذاهب مختلف یک دین می‌توان دید؛ به‌عنوان مثال، پس از رحلت رسول اکرم میان مسلمانان همین تعصب و افراطی‌گری باعث شد هر فرقه‌ای درباره مذهب خود اعمال تعصب و حمایت جاهلانه نموده و آن‌همه جنگ‌های خونین و برادرکشی به راه افتد و هر فرقه‌ای فرقه دیگر را مهدورالدم و از حریم دین و مرز اسلام بیرون بداند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۱۹۵).

اصل هفتم: تقدم همزیستی بر کشمکش؛

این اصل برگرفته از مبنای انسان‌شناسی «فطرت الهی انسان با صلح و همزیستی سازگار است» و مبنای ارزش‌شناسی «در اسلام اصالت با صلح و همزیستی است نه جنگ و تعارض» است. مطابق این اصل تربیتی، متریان باید توجه داشته باشند که در مراودات اجتماعی خود، همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران را اولویت بدانند؛ بدین‌معنا که تمام تلاش خود را مبذول دارند که روابط، توأم با مدارا و صلح و آرامش باشد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۴۶ و ۴۷ و ج ۲: ۲۴۷)، مگر اینکه طرف مقابل دنبال غلبه بر دیگران و دیکته کردن ارزش‌های نادرست (که مطابق عقل مبتنی بر شرع نیستند) خود بر آنها باشد که در این صورت، همزیستی موردنظر قرآن کریم نیست و مبارزه با این‌گونه افراد تجویز می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۸: ۳۷۳ و ج ۹: ۵۳۱). این اصل به سه روش قابل تحقق است که در ادامه این سه روش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف. روش استقبال از پذیرش صلح؛

استقبال از صلح و دوری از کشمکش آنچنان در اسلام پررنگ است که حتی اگر در خلال جنگ هم از طرف دشمن پیشنهاد صلح شود، مسلمانان موظفند این پیشنهاد را بپذیرند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۹: ۱۵۴). براساس این روش است که پیامبر اکرم (ص) به انعقاد پیمان‌های همکاری و صلح تمایل شدیدی نشان می‌داد و حتی قبل از بعثت بر اصل روابط عادلانه میان قبایل، بر پایه پیمان و معاهده اصرار ورزیده که از مهم‌ترین آنها می‌توان از صلح حدیبیه (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۹:

۲۴۳ و ج ۱۸: ۳۶۶ و ۳۹۷)، پیمان صلح با قبایل اشجع (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۵۵)، بنی مدلج و هلال بن عویمر سلمی (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۵۶) نام برد.

ب. روش توصیه به حسن ظن و پرهیز از بدگمانی؛

قرآن کریم تصریح کرده به اینکه رسول خدا(ص) دارای حسن ظن به مؤمنین است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۵: ۱۴۳) و همین برای ما کافی است که بتوانیم جایگاه حسن ظن در آموزه‌های اسلام را تأیید و اثبات کنیم. وجه دیگر این روش، پرهیز از بدگمانی است؛ مفهوم بدگمانی آن است که هرگاه کاری از کسی سر بزنند که قابل تفسیر صحیح و نادرست باشد، آن را به صورت نادرستی تفسیر کنیم (عمرانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱). علامه در تبیین این موضوع ذیل آیه ۱۲ سوره حجرات می‌نویسد: مراد از ظنی که در این آیه مسلمین مأمور به اجتناب از آن شده‌اند، ظن سوء است، و گرنه ظن خیر که بسیار خوب است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۸: ۴۸۳). باین وجود، نکته مهم این است که نسبت به دشمن یقینی نباید حسن ظن داشت (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۳۰).

ج. روش توصیه به مدارا با دیگران؛

مدارا به معنای احتیاط کردن و معاشرت نیکو با مردم (ابن منظور، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۴: ۲۵۵) آمده است. عده‌ای از سر بی‌دقتی، مدارا را به معنای پذیرش چیزی که پذیرفتنی نیست، دانسته‌اند؛ حال آنکه این واژه مستلزم چنین معنایی نیست و بیشتر در مواردی به کار می‌رود که اختلافی در کار باشد و چه بسا در همین معنا در بند باشد (بیات، ۱۳۸۱: ۲۱۴). جایگاه مدارا در آموزه‌های اسلام آنچنان پررنگ است که از یک سو خداوند خود در مواجهه با بندگان و تشریح عبادات با مدارا با آنان برخورد می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۵۱) و از سوی دیگر پیامبر اکرم را نیز به مدارا با مردم امر فرموده‌اند (کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۲: ۱۱۷). همچنین نکته مهمی که در مبحث فرهنگ مدارا در قرآن باید بدان توجه شود این است که مدارا باید در قامتی فعالانه نمایان شود نه منفعلانه. منظور آنکه مدارا باید با هدف اصلاح طرف مقابل و تعالی و رشد او و نیز هدایت طرف مقابل به سوی حق صورت گیرد، نه آنکه صرفاً برای دستیابی به آرامش باشد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۴۷). در ادامه به منظور باهم‌نگری، مبانی، اصول و روش‌های همزیستی مسالمت‌آمیز در جدول (۲) آمده است.

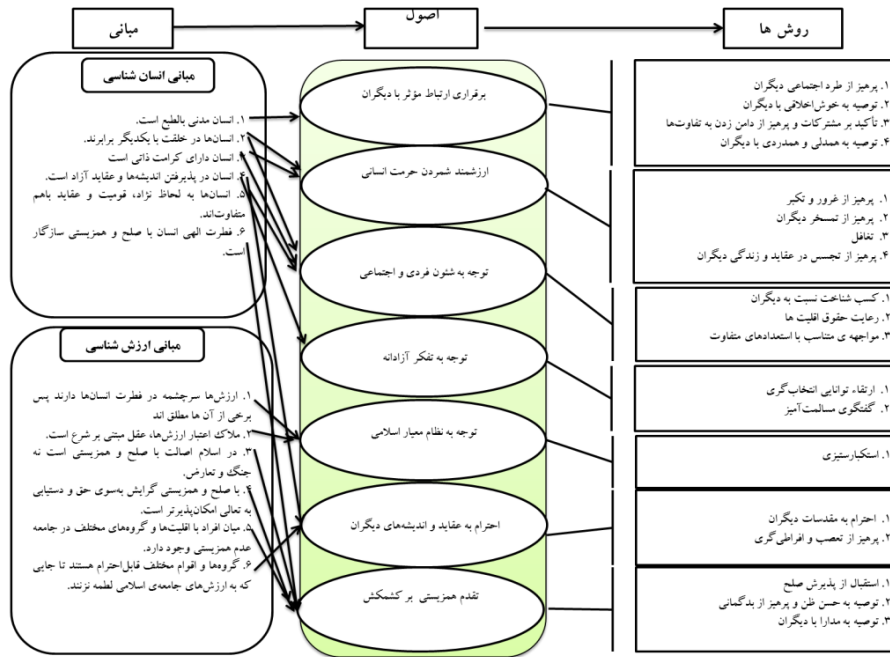
جدول ۲. مبانی، اصول و روش‌های همزیستی مسالمت‌آمیز

مبانی	اصول تربیتی	روش‌های تربیتی
انسان مدنی بالطبع است.	برقراری ارتباط مؤثر با دیگران	۱. پرهیز از طرد اجتماعی دیگران ۲. توصیه به خوش‌اخلاقی با دیگران ۳. تأکید بر مشترکات و پرهیز از دامن‌زدن به تفاوت‌ها ۴. توصیه به همدلی و همدردی با دیگران
۱. انسان‌ها در خلقت با یکدیگر برابرند. ۲. انسان‌ها دارای کرامت ذاتی‌اند.	ارزشمندشمردن حرمت انسانی	۱. پرهیز از غرور و تکبر ۲. پرهیز از تمسخر دیگران ۳. تغافل ۴. پرهیز از تجسس در عقاید و زندگی دیگران
۱. انسان‌ها در خلقت با یکدیگر برابرند. ۲. انسان‌ها به‌لحاظ نژاد، قومیت و عقاید با هم متفاوتند. ۳. انسان‌ها دارای کرامت ذاتی‌اند.	توجه به شئون فردی و اجتماعی	۱. کسب شناخت نسبت به دیگران ۲. رعایت حقوق اقلیت‌ها ۳. روش مواجهه متناسب با استعدادها و متفاوت
انسان در پذیرفتن اندیشه‌ها و عقاید آزاد است.	توجه به تفکر آزادانه	۱. ارتقای توانایی انتخاب‌گری ۲. گفتگوی مسالمت‌آمیز
۱. ملاک اعتبار ارزش‌ها، «عقل مبتنی بر شرع» است. ۲. ارزش‌ها سرچشمه در فطرت انسان دارند پس مطلقند.	توجه به نظام معیار اسلامی	۱. استکبارستیزی
۱. انسان‌ها به‌لحاظ نژاد، قومیت و عقاید باهم متفاوتند. ۲. گروه‌ها، آیین‌ها و اقوام مختلف قابل احترام هستند تا جایی که به ارزش‌های جامعه اسلامی لطمه نزنند.	احترام به عقاید و اندیشه‌های دیگران	۱. احترام به مقدسات دیگران ۲. پرهیز از تعصب و افراطی‌گری
۱. فطرت الهی انسان با صلح و همزیستی سازگار است. ۲. در اسلام اصالت با صلح و همزیستی است نه جنگ و تعارض. ۳. میان افراد با اقلیت‌ها و گروه‌های مختلف در جامعه عدم همزیستی وجود دارد. ۴. با صلح و همزیستی گرایش به سوی حق و دستیابی به رشد و تعالی امکان‌پذیرتر است.	تقدم همزیستی بر کشمکش	۱. استقبال از پذیرش صلح ۲. توصیه به حسن ظن و پرهیز از بدگمانی ۳. توصیه به مدارا با دیگران

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آموزه‌های اسلام و مخصوصاً قرآن کریم و تفسیر المیزان، ضمن تحفظ بر اصول و بنیادهای فکری خود، به سبب انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی منحصر به فردی که دارد، همواره مدافع و بلکه مروج همزیستی مسالمت‌آمیز بوده است و می‌توان ادعا کرد که برای این همزیستی، برنامه دارد. پژوهش حاضر تلاش کرده است این برنامه را در قالب یک الگوی مفهومی - که براساس دلالت‌های تربیتی (مبانی، اصول و روش‌ها)، طراحی شده است - پیشنهاد و معرفی کند. مبانی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی همزیستی مسالمت‌آمیز به‌عنوان گزاره‌هایی توصیفی که واقعیت‌ها را در مورد انسان و ارزش‌ها و ارتباط آن واقعیت‌ها با همزیستی مسالمت‌آمیز را نشان می‌دهند، در اولین گام مشخص شده و بنای الگوی مفهومی همزیستی مسالمت‌آمیز بر بنیان آنها نهاده شد. پس از معرفی مبانی، اصول تربیتی و در پایان روش‌های تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز احصا و استنتاج شد. از ارتباط این مفاهیم، الگوی مفهومی همزیستی مسالمت‌آمیز حاصل می‌شود. این الگو توانایی آن را دارد که در جهت حل مسائل و مشکلات مربوط به همزیستی مسالمت‌آمیز راهگشا باشد؛ چراکه اولاً مبتنی بر آموزه‌های اسلام - به‌عنوان یک دستورالعمل برای زندگی انسان‌ها - است، ثانیاً به روش علمی تنظیم شده است و ثالثاً به صورت روشن و آسان تنظیم شده، آنچنان که مریبان و متریبان بتوانند از آن استفاده کنند.

در ادامه این بخش به ارائه الگوی مفهومی همزیستی مسالمت‌آمیز از منظر قرآن کریم و باتأکید بر تفسیر المیزان می‌پردازیم. این الگو در واقع عصاره این پژوهش بوده و هدف نهایی این مطالعه است که سعی دارد ارتباط میان مفاهیم پژوهش را نشان دهد (شکل ۲).



شکل ۲. الگوی مفهومی همزیستی مسالمت‌آمیز از منظر قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان

در این الگو که شامل مبانی، اصول و روش‌های همزیستی مسالمت‌آمیز از منظر قرآن کریم و با تأکید بر تفسیر المیزان است، می‌بینیم که مبانی به‌عنوان گزاره‌های واقعی در مورد انسان و ارزش‌ها، در قالب دو مبنای انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی مشخص شده‌اند و خود به‌عنوان بنیان‌ها و پایه‌های این مدل به کار رفته‌اند. مؤلفه‌های این الگو به‌صورت زنجیروار با یکدیگر در ارتباط می‌باشند؛ از مبانی، اصول و از اصول، روش‌ها استخراج می‌شوند. این شیوه مواجهه با مسئله همزیستی مسالمت‌آمیز را در سایر پژوهش‌ها نیافتیم، بنابراین، می‌توان ضمن تأکید بر نوآورانه بودن این الگو نشان داد که چگونه می‌توان از ارتباط زنجیروار دلالت‌های تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز (مبانی، اصول و روش‌ها) استفاده کرده و یک مسیر اصولی و روشن و مشخص را برای دستیابی به همزیستی مسالمت‌آمیز و رفع ناسازگاری‌های موجود معرفی کرده و این مسئله را حل نماییم. بدیهی است از این طریق می‌توان با آسیب‌های ناشی از ناهمزیستی و کشمکش به‌نحو مطلوبی برخورد نمود.

باتوجه به یافته‌ها و نتایج پژوهش، به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی و تربیتی پیشنهاد می‌شود از نتایج این پژوهش برای توسعه فرهنگ همزیستی مسالمت‌آمیز در مدارس و محیط‌های آموزشی بهره‌برند. این بهره‌برداری می‌تواند شامل تنظیم یک درس عملی برای تمرین همزیستی مسالمت‌آمیز در محیط‌های آموزشی باشد. همچنین به خانواده‌ها توصیه می‌شود از الگوی مفهومی ارائه‌شده در این پژوهش برای ایجاد فضای مسالمت‌آمیز میان اعضای خانواده استفاده کنند و نیز انجام پژوهش‌هایی مانند بررسی دلالت‌های تربیتی همزیستی مسالمت‌آمیز از دیدگاه منابع اسلامی مانند احادیث و روایات و مطالعه و بررسی همزیستی مسالمت‌آمیز و دلالت‌های تربیتی آن از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و فیلسوفان غربی، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مهدی فولادوند (۱۳۸۱)، قم: دفتر مطالعات تاریخ و مطالعات اسلامی.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۵ ق)، لسان العرب، قم: ادب الحوزه.
- امیرسالاری، علی (۱۳۸۶)، تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع)، به راهنمایی دکتر محسن فرمهبینی فراهانی، دانشگاه شاهد، کارشناسی ارشد، رشته فلسفه تعلیم و تربیت.
- باقری، خسرو (۱۳۷۴)، سه مغالطه رایج در مفهوم اجتماعی بودن، حضور در جمع و سیطره بر جمع، ماهنامه تربیت، ش ۱۰۰، س نهم: ۸۷ - ۹۲.
- بیات، عبدالرسول (۱۳۸۱)، فرهنگ واژه‌ها، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- حاجی‌زاده، هانیه و کرمی، مرتضی (۱۳۹۳)، تحلیل برنامه درسی قصدشده و اجراشده دوره راهنمایی براساس مؤلفه‌های آموزش صلح یونسکو، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ش ۱۵، س یازدهم: ۹۲ - ۱۰۹.
- حسینی، سیدصادق (۱۳۹۱)، مدارا با مخالفان مذهبی از دیدگاه فقه اسلامی، فصلنامه جبل‌المتین، ش ۲، س اول: ۲۴ - ۵۳.
- حق‌پناه، رضا (۱۳۸۸)، جنگ و صلح از منظر علامه طباطبایی، اندیشه، ش اول، س پانزدهم: ۷۷ - ۱۲۰.
- داودی، محمد (۱۳۹۰)، اخلاق اسلامی، مبانی و مفاهیم، قم: معارف.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷)، تعالیم اسلام، قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۲)، بررسی‌های فلسفی، جلد دوم، قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۸)، المیزان فی تفسیرالقرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- عسگری، احمد و عبدالعلی نژاد، محمدمهدی (۱۳۹۷)، نقش «دیگری» نزد یوهانس اکهارتوس، پژوهشنامه فلسفه دین، ش ۳۲، س شانزدهم: ۱۳۱ - ۱۵۳.
- عمرانی، سیدمسعود، افسر دیر، حسین و عمرانی، مرجان سادات (۱۳۹۴)، راهکارهای تربیت اجتماعی و عاطفی نوجوانان در قرآن و احادیث، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۲۳، س ششم: ۷ - ۳۴.
- فتحی واجارگاه، کوروش و اسلامی معصومه (۱۳۸۷)، بررسی میزان توجه به آموزش صلح در برنامه درسی دوره ابتدایی از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، کارشناسان برنامه ریزی درسی و معلمان دوره ابتدایی شهر تهران، فصلنامه نوآوری‌های پژوهشی، ش ۲۵، س هفتم: ۴۹ - ۷۶.
- فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد (۱۴۱۰ ق)، کتاب العین، قم: هجرت.
- فلاح نودهی، معصومه (۱۳۸۸)، بررسی مؤلفه‌های آموزش صلح یونسکو در اسناد و مدارک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳ - ۱۳۸۵): سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران، اهداف کلی آموزش و پرورش ایران، اهداف دوره متوسطه، دانشور رفتار، ش ۳۶، س شانزدهم: ۵۵ - ۶۸.
- کریمی‌نیا، محمدمهدی (۱۳۸۴)، دیدگاه اسلام درباره همزیستی مسالمت‌آمیز، فصلنامه بصیرت، ش ۳۵، س دوازدهم: ۱۲۰ - ۱۴۰.
- کلینی، یعقوب (۱۳۸۸)، اصول کافی، ترجمه علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتاب اسلامی.
- مصباح، مجتبی (۱۳۸۳)، بنیاد اخلاق: روشی نو در آموزش فلسفه اخلاق، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مقدس‌نیا، محمد و محمدی، محمدمهدی (۱۳۸۷)، آداب معاشرت، قم: زمزم هدایت.
- هاشمی، سیدجلال (۱۳۸۸)، بررسی همزیستی مسالمت‌آمیز به مثابه هدفی تربیتی و بازتاب آن در کتاب‌های درسی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران، به راهنمایی: دکتر مصطفی صفایی‌مقدم، دانشگاه شهید چمران اهواز، دکتری، رشته فلسفه تعلیم و تربیت.
- یاسپرس، کارل (۱۳۹۰)، زندگینامه فلسفی من، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: هرمس.
- Grau, Roser; García-Raga, Laura, "Learning to Live Together: A Challenge for Schools Located in Contexts of Social Vulnerability", Journal of Peace Education, v14 n2, 2017.
- Herrera Torres, Lucía; Bravo Antonio, Iván, "Predictive Value of Social Skills in Living Together at Primary School. Analysis in a Cultural Diversity Context", Journal of New Approaches in Educational Research, v1 n1, 2012.
- Minow, M. "Education for Coexistence", Arizona Law Review, v44, n1, www.law.arizona.edu. 2002.
- Zembylas, Michalinos, "Toleration and coexistence in conflicting societies: some tensions and implications for education", Pedagogy, Cultural and education. vol 19, n3, 2011.
- Zembylas, Michalinos. and Kendeou, Panayiota and Michaelidou, Athina, "The Emotional Readiness of Greek Cypriot Teachers for peaceful Co-Existence" , European journal of education. vol 46, n4, 2011.

